

تاریخ‌گذاری روایات معجزه بر اساس روش تحلیلی متن و اسناد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۴

فاطمه دست‌رنج^۱
علیرضا طبیبی^۲
محمد دهقانی^۳

چکیده

«معجزه» از مباحث مهم علوم قرآنی است که همواره کانون توجه عالمان دینی و متألّهان بوده و تفسیرهای مختلفی از حیث مفهوم، شروط و امکان تحقق آن مطرح است. از این رو، با عنایت به عدم کاربرد این واژه در قرآن و اختلاف نظر درباره استعمال آن در لسان احادیث، بحث در کیفیت پیدایش اندیشه اعجاز و استعمال واژه معجزه، ضرورتی انکار ناپذیر است. این مقاله با روش تاریخ‌گذاری تحلیلی متن و اسناد، روایات حاوی کلمه «معجزه» را بررسی نموده است. تاریخ‌گذاری متن، حاکی از وجود تفاوت‌هایی در تحریرهای گوناگون روایات است و تاریخ‌گذاری سندی نشان می‌دهد که «شیخ صدوق» به عنوان «حلقه مشترک» روایات «معجزه»، این کلمه را در کتب حدیثی خود آورده است. تاریخ‌گذاری ترکیبی متن و اسناد نیز حاکی از آن است که نمی‌توان ائمه علیهم‌السلام را ایده‌پرداز اصطلاح «معجزه» دانست و ایشان به تأسی از قرآن، در احادیث گوناگونی واژه‌های «آیات، بیّنات و براهین» را در این زمینه به کار برده‌اند. کلیدواژه‌ها: تاریخ‌گذاری، روایت، معجزه.

بیان مسأله

با عنایت به عدم استعمال واژه «معجزه» در قرآن، درباره کاربرد آن در لسان احادیث،

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث و استاد یار دانشگاه اراک (F.dastranj@araku.ac.ir).

۲. استادیار دانشگاه اراک و مدیر گروه الهیات (نویسنده مسئول) (a.Tabibi@araku.ac.ir).

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (Dehghani.m100@gmail.com).

برخی از پژوهش‌گران معتقدند که این کلمه، در احادیث نیز موجود نیست؛^۴ گرچه برخی معتقدند «معجزه» به معنای اصطلاحی آن در عصر معصومان علیهم‌السلام رایج بوده است.^۵ گروه اول برای اثبات نظریه خود، به واقعیت‌های تاریخی استناد کرده، ولی گروه دوم به برخی از احادیث معصومان علیهم‌السلام - که حاوی کلمه «معجزه» است - اشاره نموده‌اند. لذا ضرورت پژوهشی که بررسی نماید آیا این دو مسأله تاریخی متناقض (یعنی موجود نبودن کلمه «معجزه» در کتاب‌های قرن‌های اول تا سوم و وجود آن در برخی روایات معصومان علیهم‌السلام) چگونه قابل تحلیل هستند، به شدت احساس می‌شود.

تنها روشی که در بردارنده این دو رویکرد است و می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد، روش تاریخ‌گذاری روایات حاوی کلمه «معجزه» است. «تاریخ‌گذاری حدیث، یعنی تعیین تقریبی زمان، مکان، پدیدآورنده و سیرت‌تغییرات یک روایت در بستر تاریخ». ^۶ تاریخ‌گذاری احادیث از روش‌های جدید حدیث‌پژوهی مستشرقان در قرن حاضر است که پژوهش‌گر بیش از آن‌که جویای رد یا قبول روایت باشد، در پی آن است که مبدأ تاریخی روایت را بازگشایی نماید. «روش‌های تاریخ‌گذاری به کار رفته در مطالعات غربی را می‌توان به دو دسته «تاریخ‌گذاری بیرونی» و «تاریخ‌گذاری درونی» تقسیم کرد.^۷ در تاریخ‌گذاری بیرونی می‌توان از دیگر منابع تاریخی در مورد آن مفاهیم اظهار نظر کرد؛ اما در تاریخ‌گذاری درونی، باید در سند یا متن حدیث، مطالبی را یافت که از آن‌ها بتوان در تاریخ‌گذاری آن روایات استفاده کرد. «این روش‌ها را بسته به نوع داده‌هایی که در تاریخ‌گذاری استفاده شده، می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: (۱) تاریخ‌گذاری بر مبنای متن، (۲) تاریخ‌گذاری بر اساس اسناد و (۳) تاریخ‌گذاری مبتنی بر تحلیل ترکیبی متن و سند. این تقسیم‌بندی تا حدودی بازتاب‌دهنده دیدگاه کلی محققان غربی درباره اصالت داده‌های حدیثی است».^۸

۴. محاضرات فی علوم قرآن، ص ۴۳۹؛ إعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت علیهم‌السلام و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، ص ۸؛ علوم قرآن الکریم، ص ۱۹۱؛ «بازاندیشی در حقیقت اعجاز»، ص ۵۳؛ «تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ معجزه در قرآن و روایات»، ص ۲۵.

۵. «تبیین فلسفی معجزه از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی»، ص ۱۱؛ «بررسی رابطه امور خارق‌العاده با حقانیت از دیدگاه عقل و نقل»، ص ۱۸.

۶. درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، ص ۱۰۴.

۷. برای آگاهی بیشتر از این تقسیم‌بندی، رک:

۸. "Eschatology and the Dating of Traditions 25", Cook.

۸. تاریخ‌گذاری حدیث؛ روش‌ها و نمونه‌ها، ص ۱۴.

براین اساس، در تاریخ‌گذاری بیرونی به دنبال سیربه وجود آمدن کلمه «معجزه» در طول تاریخ هستیم و در تاریخ‌گذاری درونی در قسمت تاریخ‌گذاری بر مبنای متن، بررسی می‌شود که آیا در تحریرهای گوناگون این روایات، نکاتی وجود دارد که پژوهش‌گر را در تاریخ‌گذاری روایات یاری نماید؟ مهم‌ترین مؤلفه تاریخ‌گذاری بر مبنای سند، یافتن «حلقه مشترک» است. این پدیده، اولین بار توسط یوزف شاخت نام‌گذاری شد. به نظر شاخت «حلقه مشترک» نقطه اتصال میان بخش جعلی و واقعی سندهاست؛ یعنی «حلقه مشترک» اولین کسی است که حدیث را در قالب کنونی ترویج داده است. در تاریخ‌گذاری ترکیبی نیز نتایج حاصل از دو قسمت قبل مقایسه می‌شوند و در نهایت می‌توان ادعا نمود که آیا معصومان علیهم‌السلام ایده‌پرداز نظریه اعجاز هستند یا خیر؟

۱. تاریخ‌گذاری بیرونی

گام اول در اکثر پژوهش‌های علوم قرآنی، واژه‌پژوهی است. به علت این‌که پژوهش حاضر بر محوریت «معجزه» می‌چرخد، لذا لازم است این کلمه تحلیل گردد.

۱-۱. واژه‌پژوهی معجزه

همه پژوهش‌گران برای واژه‌پژوهی «معجزه» به یک شیوه عمل نموده‌اند؛ یعنی نظر صاحبان کتب لغت را درباره واژه «عجز» نوشته‌اند و سپس بر اساس ویژگی‌های معنایی صیغه‌های عربی، به تعریف اشتقاق «معجزه» از «عجز» پرداخته‌اند. با مطالعه کتب لغت مشاهده می‌شود که در کتاب‌های قرن اول تا سوم هجری، با وجود تعداد زیادی از مشتقات ریشه «عجز»، ولی کلمه «معجزه» وجود ندارد؛ به عنوان نمونه خلیل بن احمد فراهیدی بیست لغت از ریشه «عجز»^۹ را تعریف می‌نماید، ولی نه تنها کلمه «معجزه» را نمی‌آورد، بلکه در تمام کتابش، این کلمه به چشم نمی‌خورد. این حالت برای کتاب‌های الجیم،^{۱۰} الغریب المصنّف،^{۱۱} جمهره اللغه^{۱۲} و المحيط فی اللغه^{۱۳} نیز صادق است. اولین نفری که «معجزه» را در کتابش می‌آورد، محمد بن احمد بن ازهری (م ۳۷۰ق) در

۹. العین، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۵.

۱۰. الجیم، ج ۲، ص ۲۴۵.

۱۱. الغریب المصنّف، ج ۱، ص ۱۲۴.

۱۲. جمهره اللغه، ص ۴۷۰.

۱۳. المحيط فی اللغه، ج ۱، ص ۲۴۲.

تهذیب اللغة^{۱۴} است؛ البته ایشان ذیل ریشه «عجز» ۲۲ کلمه از مشتقات آن را معرفی کرده، ولی کلمه «معجزه» را تعریف نکرده است. وی در پنج جای کتاب لغت خود،^{۱۵} از «معجزه» به همان معنای مصطلح امروزی آن یاد می‌کند. پس از ازهری در کتاب‌های معجم مقاییس اللغة^{۱۶} و المحکم و المحيط الأعظم^{۱۷} نیز کلمه «معجزه» وجود ندارد. این حاکی از آن است که کلمه «معجزه» برای صاحبان این معاجم ناشناخته بوده است؛ زیرا هیچ دلیلی برای نیابردن این کلمه در کتاب‌های خود نداشته‌اند. در نتیجه، واژه «معجزه» یک اصطلاح است که برخی از افراد آن را به وجود آورده‌اند و فقط باید آن را براساس معنای اصطلاحی اش تعریف نمود؛ وگرنه دچار خلط در معنای لغوی و اصطلاحی می‌شویم. لذا تعریف «معجزه» عبارت است از:

امر خارق العاده‌ای که با ادعای نبی مطابقت دارد و به همراه تحدی است؛ به گونه‌ای که بشر از آوردن مثل آن عاجز و ناتوان است.^{۱۸}

۲-۱. معجزه در سایر کتاب‌ها

در هیچ‌یک از کتاب‌های قرن دوم هجری کلمه «معجزه» وجود ندارد. در قرن سوم نیز با وجود نگارش کتاب‌های فراوانی در علوم مختلف، شاهد کلمه «معجزه» نیستیم. تنها کتابی که در این قرن نوشته شده است و کلمه «معجز» در آن وجود دارد، تأویل مشکل القرآن اثر ابن قتیبه (م ۲۷۶ق) است. او در مقدمه این کتاب می‌نویسد:

الحمد لله الذی و قطع منه بمعجز التالیف أطماع الكائدين و ابانه بعجیب النظم عن حیل المتكلفین ...؛^{۱۹}

سپاس خدای را که ... طمع نیرنگ‌کاران را با معجزه تألیف (قرآن) از آن قطع گرداند و با شگفتی نظم، آن را از نیرنگ‌های ریاکاران نمایان ساخت

تا قبل از آن، تمامی نویسندگان در آثار خود به جای استفاده از کلمه «معجزه» به تأسی از قرآن، از کلمات «آیه، بینه و برهان» و یا کلمه «دلائل» استفاده می‌کردند. از قرن چهارم به بعد

۱۴. تهذیب اللغة، ج ۱، ص ۲۱۹.

۱۵. همان، مقدمه ج ۱، ص ۵ (۲ بار)؛ ج ۶، ص ۱۴؛ ج ۱۰، ص ۱۱۳؛ ج ۱۵، ص ۴۵۶.

۱۶. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۳۲.

۱۷. المحکم و المحيط الأعظم، ج ۱، ص ۲۹۸.

۱۸. النکت الاعتقادیه، ص ۳۵.

۱۹. تأویل مشکل القرآن، ص ۱۱.

شاهد وجود کلمه «معجزه» در کنار عباراتی همچون «الدلالة، الباهره، الآیه، الأعلام و...»^{۲۰} هستیم. پس از مدتی می‌بینیم که تمامی نویسندگان کتب مختلف، کلمه «معجزه» را به تنهایی در آثار خود به کار برده‌اند.

از مطالبی که گذشت، نتیجه می‌گیریم کلمه «معجزه» در قرن‌های اول و دوم وجود نداشته است و در قرن سوم به صورت شفاهی بوده و سپس در قرن چهارم، ابتدا به همراه برخی از کلمات همچون «الدلالة، الباهره، الآیه، الأعلام و...» بدون قرار گرفتن «واو» و سپس با قرار گرفتن «واو» در بین این الفاظ به کار می‌رفته و در نهایت در قرن‌های بعدی به صورت مجزا و به تنهایی رایج شده است.

۲. تاریخ‌گذاری درونی

در بخش قبل، شاهد این مطلب بودیم که کلمه «معجزه» از زمان پیامبر ﷺ تا قرن چهارم هجری رایج نبوده است؛ اما وجود این کلمه در برخی از روایات معصومان علیهم‌السلام خلاف این مدعا را ثابت می‌کند. این روایات از دو حالت خارج نیستند؛ یا این که ائمه علیهم‌السلام ایده‌پرداز این کلمه هستند و یا این که حاصل ادراجی نظام‌مند، توسط فرد یا افرادی دیگر هستند. قسمت اول در تاریخ‌گذاری بر مبنای متن و قسمت دوم در تاریخ‌گذاری بر مبنای سند بررسی می‌گردد و در نهایت، در تاریخ‌گذاری توأمان متن و سند به این مهم می‌پردازیم که آیا می‌توان این ایده‌پردازی را به ائمه علیهم‌السلام نسبت داد یا خیر؟

۲-۱. تاریخ‌گذاری بر مبنای متن

کلمه «معجزه» در کتاب‌هایی همچون تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام، الکافی، الهدایة الكبرى، کتب شیخ صدوق، الأمالی شیخ طوسی، دلایل الامامه، غررالحکم و دررالکلم، الخرائج و الجرائح، کتب ابن شاذان، ایمان ابي طالب، اثبات الهدی بالنصوص و المعجزات و بحار الأنوار وجود دارد. در این قسمت از ذکر سند صرف نظر می‌نماییم و فقط، روایت را از حیث متنی مورد تحلیل قرار می‌دهیم:

۱. در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام، ۲۵ روایات وجود دارد که حاوی کلمه «معجزه» هستند. درباره این تفسیر - که از قرن چهارم به بعد توسط شیخ صدوق مطرح

۲۰. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۱۳۴؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱، ص ۳؛ أحكام القرآن، ج ۲، ص ۲۴۲؛ الفهرست (ابن ندیم)، ج ۱، ص ۲۷۵؛ جمهرة الأمثال، ج ۱، ص ۴۱۳؛ تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم، ج ۳، ص ۱۱۲؛ التوحید، ج ۱، ص ۱۰.

می‌شود - نقدهای فراوانی وجود دارد، تا جایی که علامه شوشتری می‌نویسد:

اگر استاد دقیق و سخت‌گیر او (ابن ولید) در قید حیات بود، اجازه نقل از آن را به او نمی‌داد.^{۲۱}

در سیزده روایت^{۲۲} از آن‌ها کلمه «معجزه» به همراه «دلالات، آیات و بیّنات» هم‌نشین شده است که از مشخصات نگارش این کلمه در قرن چهارم است. در تعداد دیگری از این روایات^{۲۳} نیز کلمه «معجزه» در داخل گیومه قرار دارد که نشان‌دهنده این است که در اصل روایت موجود نبوده است. مجید معارف و ربابه ناظمی نیز در یک مقاله به اعتبارسنجی این روایات پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند:

روایاتی که بیشتر از یک صفحه و گاه چندین صفحه را شامل می‌شوند، غالباً درباره معجزات و کرامات رسول خدا ﷺ و اهل بیت  خصوصاً حضرت علی  و گاه در باب فضایل صحابه آمده‌اند. این روایات غالباً فاقد مستندات قرآنی و شواهد متابعات هستند و نیز بیشترین متفردات در تفسیر العسکری  به روایات بلند، داستانی و افسانه‌ای اختصاص دارند. از این ۲۵ روایت، ۲۳ روایت از آن‌ها دارای این ویژگی هستند.

۲. تعدادی از روایاتی که در آن‌ها کلمه «معجزه» به کار رفته است، علاوه بر این‌که با نوعی غلو و تخیل همراه‌اند، با آیات قرآن نیز در تضاد هستند. در این روایات،^{۲۴} مخاطبان با جملات گوناگون همچون: «أحب أن أرى من معجزاتك؛ أرى شيئاً من معجزاتك؛ أحب أن ترى معجزة نتحدث بها عنك؛ فسألناه أن يرينا معجزة نتحدث بها عندنا بالكوفة وأريد أن أحدث عنك معجزة فأرنيه از ائمه  درخواست نموده‌اند تا معجزاتی انجام دهند که آن‌ها ببینند و برای دیگران تعریف نمایند. ائمه  نیز این درخواست‌ها را با جملاتی همچون: «أفعل إن شاء الله» و یا بدون جواب دادن، اجابت نموده و سریعاً معجزاتی همچون: بال‌دار شدن اسب سلمان فارسی با بال ملائکه؛ بیابان بی‌آب و علفی که پر از آب و رودخانه و جواهرات و... می‌شود؛ امام  با پا زدن بر زمین می‌زند و دریایی از زمین می‌جوشد که کشتی

۲۱. الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲۲. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ، ص ۱۳۳، ۱۵۱، ۱۶۷، ۲۲۸، ۲۸۳، ۲۹۱، ۳۷۴، ۴۰۲، ۴۳۷، ۴۶۱، ۴۹۰، ۵۱۵ و ۵۹۸.

۲۳. همان، ص ۲۲۸، ۳۱۹، ۳۷۱ و ۵۰۵.

۲۴. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۳، ص ۵۵۹ و ۵۶۰؛ ج ۴، ص ۲۶ و ۳۷۱.

در آن جاری است و ماهی و... از آن می‌گیرند و می‌خورند؛ بیرون آمدن آب از صخره و نوشیدن آن؛ بلند شدن خانه‌ای و معلق شدن آن در هوا را به وجود آورده‌اند. تمامی این روایت‌ها از نظر مضمون دارای نوعی تخیل و... هستند و همچنین با توجه به این‌که همه پیامبران حتی پیامبر اسلام ﷺ آیات و معجزات را موکول به اذن الهی دانسته‌اند، انجام دادن معجزه سریعاً بدون موکول نمودن اذن آن به خداوند متعال برخلاف آیات قرآن کریم است.

۳. روایاتی که به جای کلمه «معجزه» در خلال متن آن، کلمه «مُعْجِزَه» به کار رفته است؛ همانند: «مُعْجِزَةُ الصِّفَةِ»^{۲۵} و «إِذَا كَانَ الْحِلْمُ مَفْسُدَةً كَانَ الْعَفْوُ مُعْجِزَةً».^{۲۶} در حقیقت، در این روایات، کلمه «معجزه» [اسم مکان از ریشه «عجز» و به معنای درمکان ناتوانی قرار گرفتن] قرار دارد که معنایی منفی می‌دهد؛ اما اگر آن را به صورت «مُعْجِزَه» معنا کنیم، معنای روایت کاملاً متفاوت می‌شود؛ زیرا «مُعْجِزَه» به معنای امری شگفت و خارق‌العاده، معنایی مثبت دارد. در این صورت، معنای حدیث دوم با «معجزه» چنین می‌شود: زمانی که حلم مفسده داشته باشد، عفو مایه ناتوانی فرد است؛ اما با «مُعْجِزَه» معنای آن برعکس می‌شود: زمانی که حلم مفسده داشته باشد، عفو شگفتی می‌آفریند.

۴. برخی از این کتب، همانند الهدایة الکبری دارای نسخه‌های گوناگونی هستند؛^{۲۷} با این‌که بسیاری از پژوهش‌گران معتقدند:

در کتاب‌های البصائر، الکافی و الهدایة الکبری - که قدیمی‌تر از کتاب‌های دیگر هستند - کلمه «معجزه» برای اشاره به خوارق عادت امامان علیهم‌السلام به کار نرفته است.^{۲۸}

اما شاهد کلمه «معجزه» در برخی از نسخه‌های این کتاب هستیم؛ به عنوان نمونه در این کتاب عبارت «وَلَا مُعْجِزَةَ إِلَّا وَقَدْ أَتَاهُمُ النَّبِيُّ ﷺ»^{۲۹} وجود دارد که سید هاشم بحرانی در تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، همین روایت را از خصیبه نقل کرده است و در آن، علاوه بر تفاوت‌های زیاد در الفاظ حدیث، کلمه «معجزه» وجود ندارد که نشان‌دهنده اشتباه نسخ و

۲۵. الکافی، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲۶. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۵.

۲۷. «حسین بن حمدان خصیبه و کتاب الهدایة الکبری»، ص ۲۶؛ «ناهمخوانی‌های معنادار بین روایات منقول از امام هادی علیه‌السلام در تصحیح‌های مختلف کتاب الهدایة الکبری؛ تحلیل و تبیین علل و پیامدها»، ص ۵۱.

۲۸. «متون و روایات دلایل و معجزات ائمه (امام صادق علیه‌السلام و امام مهدی علیه‌السلام) در منابع شیعی قرن دوم تا پایان قرن ششم»، ص ۳۱.

۲۹. الهدایة الکبری، ص ۷۱-۷۰.

ناشران در ادراج کلمه «معجزه» است.

۵. در برخی از روایات، کلمه «معجزه» توسط مؤلف کتاب برای توضیحات بیشتر روایت، قبل از کلام امام معصوم علیه السلام، در آن ادراج شده است؛ همانند روایت شیخ صدوق رحمته الله از امام رضا علیه السلام در عیون اخبار الرضا علیه السلام:^{۳۰}

ذَكَرَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا الْقُرْآنَ فَعَظَّمَ الْحُجَّةَ فِيهِ وَالْآيَةَ وَالْمُعْجِزَةَ فِي نَظْمِهِ قَالَ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ...

در حقیقت، در این روایت، کلام امام رضا علیه السلام از قال به بعد شروع می شود. در برخی دیگر نیز توسط مؤلف، در پایان حدیث نوشته شده که این عمل اولین «معجزه» بوده است؛ همانند حدیثی که در کتاب مناقب آل ابی طالب آمده است:

فَكَانَ أَوَّلَ مُعْجِزَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَدِينَةِ أَنَّهُ وَضَعَ كَفَّهُ عَلَى وَجْهِ أُمِّ أَبِي أَيُّوبَ فَأَنْفَقَتْ عَيْنَاهَا.^{۳۱}

۶. روایاتی که کلمه «معجزه» در آن‌ها به کار رفته است، اما در یک کتاب متقدم همان روایت وجود دارد؛ در حالی که کلمه «معجزه» در آن موجود نیست. این روایات نشان دهنده ادراج کلمه «معجزه» توسط متأخرین است؛ به عنوان نمونه، روایت علامه مجلسی در بحار الأنوار: «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي جَوَابِ الْيَهُودِيِّ الَّذِي سَأَلَ عَنْ مُعْجِزَاتِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^{۳۲} را داریم که آن را از کتاب الاحتجاج علی اهل اللجاج أخذ نموده است. در اصل این روایت، کلمه «معجزه» وجود ندارد و یا روایتی که فخار بن معد از ابن عباس^{۳۳} نقل می کند و در الامالی شیخ صدوق فاقد کلمه «معجزه» است، جزء همین دسته قرار می گیرد. همچنین است روایتی را قطب الدین راوندی بدون سند^{۳۴} نقل می کند که همان روایت با ذکر سند در قرب الاسناد حمیری^{۳۵} موجود است، ولی کلمه «معجزه» در آن نیست.

۷. روایاتی که در دو کتاب متفاوت از یک مؤلف با یک سند نقل شده اند و در یکی کلمه «معجزه» به کار رفته و در دیگری به کار نرفته است. این نوع نقل‌ها نیز نشان دهنده عدم وجود این کلمه در اصل روایت است؛ همانند روایت مسند ابن شاذان از میثم تمار در کتاب

۳۰. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۰.

۳۱. مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۳.

۳۲. بحار الأنوار، ج ۳، ص ۳۲۰.

۳۳. ایمان ابی طالب (الحجة علی الذاهب إلى كفر ابی طالب)، ص ۱۲۴.

۳۴. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۱۱.

۳۵. قرب الاسناد، ص ۳۱۷.

الفضائل^{۳۶} که همان روایت را در کتاب الروضة فی فضائل أمير المؤمنين علی بن ابي طالب^{۳۷} بدون کلمه «معجزه» نقل نموده است.

۸. تعدادی دیگر از این روایات^{۳۸} نیز متفرد هستند و در هیچ یک از کتب حدیثی و تاریخی نقل نشده‌اند. با این حال، کلمه «معجزه» در آن‌ها به همراه عباراتی همچون «دلایل، علامت و براهین» نوشته شده است؛ همانند: «الدَّلَائِلُ وَالْعَلَامَاتُ وَالْبَرَاهِیْنَ وَ الْمُعْجِزَاتِ».^{۳۹} لذا با توجه به تفاوت معنایی این کلمات با هم و نوع نگارش آن‌ها به نظر می‌رسد اصل روایت این چنین نبوده است؛ زیرا در قرون اول و دوم، فقط به صورت «آیه» و «بینه» نوشته می‌شدند و در قرن سوم و چهارم به همین شکل و لذا در قرن‌های بعدی فقط شاهد نوشته شدن کلمه «معجزه» به تنهایی هستیم.

۹. در یکی از این روایات، امام حسن مجتبی^{علیه السلام} می‌فرماید:

فَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ... أَنَا ابْنُ صَاحِبِ الْفَضَائِلِ أَنَا ابْنُ صَاحِبِ
الْمُعْجِزَاتِ وَالْدَّلَائِلِ ...^{۴۰}

اما با توجه به این که ائمه^{علیهم السلام} فصیح‌ترین انسان‌های عرب بوده‌اند، بهتر می‌بود که متن روایت به صورت «أَنَا ابْنُ صَاحِبِ الْفَضَائِلِ أَنَا ابْنُ صَاحِبِ الدَّلَائِلِ» باشد. زیرا سخنان آن‌ها نثری است چون نظم که از نظر تألیف و ترکیب کلام، بسیار فنی و ادبی و از نظر ظاهر، بسیار ساده است. از همین روست که ابن زیاد (لعنة الله عليه) از فرط حیرانی به حضرت زینب^{علیها السلام} گفت:

اوسجاعة است و به سجع و قافیه سخن می‌راند، پدرش نیز سخن به سجع می‌گفت.^{۴۱}

در این قسمت با تحلیل تحریرهای گوناگون روایاتی - که شامل کلمه «معجزه» هستند - به این نتیجه می‌رسیم که به علت تفاوت‌ها و تناقض‌های گوناگون در نقل این روایات، نمی‌توان ادعا کرد که در اصل روایات ائمه^{علیهم السلام} این کلمه موجود بوده است و این احتمال وجود دارد که توسط مؤلفین کتاب‌های حدیثی وارد روایات شده است. این حالت را در بخش بعدی بررسی می‌نماییم.

۳۶. الفضائل، ص ۲-۳.

۳۷. الروضة فی فضائل أمير المؤمنين علی بن ابي طالب^{علیه السلام}، ص ۱۴۹.

۳۸. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۷۲؛ ج ۱، ص ۱۷؛ ج ۲، ص ۵۹۳-۵۸۹؛ ج ۲، ص ۸۱۱-۸۱۰.

۳۹. همان، ج ۱، ص ۱۷۲.

۴۰. الأملی (للسدوق)، ص ۱۸۰-۱۷۸.

۴۱. جلوه‌های بلاغت در کلام پیام‌آور عاشورا حضرت زینب^{علیها السلام}، ص ۱۵۷.

۲-۲. تاریخ‌گذاری بر مبنای اسناد

سند روایات از مختصات حدیثی مسلمانان است و از اهمیت خاصی برخوردار است؛ اما رویکرد مستشرقان نسبت به سند، با مسلمانان متفاوت است. در تاریخ‌گذاری حدیث «وقتی از تحلیل سندی یاد می‌شود، بی‌درنگ نام یوزف شاخسخت به ذهن متبادر می‌شود».^{۴۲} او می‌نویسد:

اگرچه سندها دل‌بخواهی‌ترین بخش روایات‌اند، شناسایی زمینه‌هایی که عامل پیدایش و تطوّر آن‌ها بوده‌اند، ما را قادر می‌سازد تا از آن‌ها برای تاریخ‌گذاری روایات استفاده کنیم.^{۴۳}

مهم‌ترین مؤلفه تاریخ‌گذاری بر مبنای سند، یافتن «حلقه مشترک» است. به عبارتی، تمام تلاش‌ها در تاریخ‌گذاری بر مبنای سند، پیدا کردن راوی‌ای است که تمام سندهای متأخر به او وصل می‌شوند و از طریق او به سایر کتب متقدم و معصومان علیهم‌السلام می‌رسیم. خاورشناسان، این راوی را «حلقه مشترک» می‌نامند. به نظر شاخسخت «حلقه مشترک» نقطه اتصال میان بخش جعلی و واقعی سندهاست. بنابراین «حلقه مشترک» به نظر شاخسخت نخستین کسی است که حدیث را رواج داده است. شاخسخت برای ارزش «حلقه مشترک» برای مقاصد تاریخ‌گذاری می‌گوید:

وجود راویان مشترک ما را قادر می‌سازد تا برای روایات و آرای مندرج در آن‌ها تاریخی قطعی تعیین کنیم.^{۴۴}

یُنْبُل می‌نویسد:

حلقه مشترک اغلب ابزار مفیدی است که با استفاده از آن می‌توان به تاریخ تقریبی و منشأ احتمالی حدیث رسید.^{۴۵}

به نظر یُنْبُل، «حلقه مشترک» واضح روایت است یا به تعبیر دیگر، روایت از آن اوست یا (اگر از کس دیگری است) او نخستین کسی است که آن را در قالب چنین الفاظی آورده است. او می‌گوید:

۴۲. تاریخ‌گذاری حدیث روش‌ها و نمونه‌ها، ص ۴۰.

۴۳. همان، ص ۱۰۷.

۴۴. همان، ص ۴۳.

۴۵. همان، ص ۴۵.

تاریخ‌گذاری پیش از «حلقه مشترک» ممکن نیست.^{۴۶}

روایاتی که کلمه «معجزه» در آن‌ها وجود دارد، زیاد هستند. تعدادی از این روایات را بدون در نظر گرفتن سند، فقط بر مبنای متن بررسی کردیم و نتیجه‌ای که از تاریخ‌گذاری حاصل شد، این بود که کلمه «معجزه» نمی‌تواند در اصل روایات موجود باشد. در این قسمت به دنبال تحلیل سندی این روایات هستیم. تحلیل سندی در تاریخ‌گذاری حدیث، یعنی یافتن «حلقه مشترک»؛ نه این‌که روایات را بر اساس وثاقت راویان به «صحیح، موثق، حسن و ضعیف» تقسیم کنیم.

از مزایای تاریخ‌گذاری بر مبنای متن، خارج نمودن تعداد زیادی از روایات از دایره تحلیل سندی است. اگر روایات را قبل از تاریخ‌گذاری سندی، بر مبنای متن تحلیل نکنیم، با روایات زیادی روبه‌رو هستیم که برخی از آن‌ها نیز مرتبط با موضوع بحث نیستند. با توجه به این‌که هر حدیث، دارای تعدادی راوی به عنوان سند است، تعداد این راویان زیاد شده و در تقاطع‌گیری دخیل می‌شوند و لذا در یافتن «حلقه مشترک» دچار اشتباه می‌شویم.

بر این اساس روایاتی که شامل ویژگی‌های ذیل هستند، از دایره بحث خارج می‌شوند:

- روایاتی که کلمه «معجزه» در آن‌ها باید به صورت «مَعْجِزَه» باشد.
- روایاتی که کلمه «معجزه» بر اساس اشتباه نشاخ و ناشران وارد روایات شده است.
- روایاتی که کلمه «معجزه» توسط مؤلف برای توضیح به اصل روایت اضافه شده است.
- روایاتی که خود مؤلف اذعان می‌دارد که آن را از کتاب مجهولی نقل کرده است و دارای سند نیست؛ به عنوان نمونه، روایت علامه مجلسی رحمته‌الله از کتاب منهج التحقيق الی سواد الطریق^{۴۷} - که در آن کلمه «معجزه» وجود دارد - این چنین است.
- روایاتی که کلمه «مُعْجِزَه» در آن‌ها به کار رفته است، اما در یک کتاب متقدم همان روایت وجود دارد؛ در حالی که کلمه «معجزه» در آن موجود نیست. این روایات نشان‌دهنده ادراج کلمه «مُعْجِزَه» توسط متأخرین است.
- روایاتی که در دو کتاب متفاوت از یک مؤلف وجود دارند که در یکی از آن‌ها کلمه «معجزه» به کار رفته، ولی در دیگری وجود ندارد. این نوع نقل‌ها را نیز به علت تزلزل در نگارش این کلمه، در تاریخ‌گذاری سندی وارد نمی‌کنیم.

۴۶. همان، ص ۴۶.

۴۷. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۳۳.

دسته دیگری از روایات را نیز نمی‌توان بر مبنای سند، تاریخ‌گذاری نمود و آن‌ها روایاتی هستند که یا سند ندارند و یا این‌که روای، روایات را با سند متصل (مسند) از ائمه علیهم‌السلام نقل نکرده باشد. در این روایات، به علت این‌که تعدادی از راویان ذکر نشده‌اند نمی‌توان آن‌ها را بر مبنای سند تاریخ‌گذاری نمود؛ بر این اساس:

• روایت تاریخی را که شیخ صدوق رحمته‌الله درباره حضرت ابراهیم علیه‌السلام از محمد بن طیفور نقل می‌کند:

... يُقَالُ إِنَّهُ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ لَهُ فِي ذَلِكَ مُعْجَزَةٌ كَمَا كَانَتْ لِلرُّسُلِ ... ٤٨

• روایاتی را که در کتاب دلائل الإمامة، بدون واسطه از امام حسن مجتبی علیه‌السلام ٤٩ یا از سفیان از وکیع از امام رضا علیه‌السلام ٥٠ نقل شده‌اند؛ روایاتی را که قطب الدین راوندی از ثمالی از رمیله ٥١ یا از دعبل از امام رضا علیه‌السلام ٥٢ یا از فرات ابن احنف از امام سجاد علیه‌السلام ٥٣ نقل می‌کند؛ روایاتی را که ابن شاذان مرسلأ از امام علی علیه‌السلام ٥٤ نقل می‌کند؛ روایتی را که شیخ حر عاملی از اصبع بن نباته ٥٥ نقل می‌کند، نیز به علت فاصله زمانی بین مؤلفان کتاب و راویان احادیث نیز دارای همین ویژگی هستند.

• محمد بن جریر طبری دو روایت را با ذکر سند در دلائل الإمامة نقل کرده که در نگاه اول مسند به نظر می‌آیند ولی با بررسی آن‌ها متوجه می‌شویم که تعدادی از افراد این سلسله سند افتاده‌اند. تحلیل سندی این دو روایت در ذیل می‌گذرد.

الف - محمد بن جریر طبری صغیر قال: حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ سُفْيَانُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ مُورِقٍ، عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: قُلْتُ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): أَحِبُّ أَنْ تُرِيَنِي مُعْجَزَةً ... ٥٦

ب - محمد بن جریر طبری صغیر قال: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ

٤٨. الخصال، ج ١، ص ٢٦٥.

٤٩. دلائل الإمامة، ص ٤٢٦.

٥٠. همان، ص ٣٦٢.

٥١. الخرائج و الجرائح، ج ١ ص ١٧٢.

٥٢. همان، ج ٢، ص ٨٩.

٥٣. همان، ج ٢، ص ٨١٠.

٥٤. الفضائل، ص ١٤٠ و ١٧٠.

٥٥. إثبات الهداة بالصوص و المعجزات، ج ٣، ص ٥٦٠.

٥٦. دلائل الإمامة، ص ١٦٩.

الْقَاسِمِ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ الْكَلَابِيِّ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ، قَالَ: ... الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَأَلْتَاهُ
أَنْ يُرِيَنَا مُعْجَزَةً ... ٥٧

تحلیل: اعمش از طبقه امام صادق علیه السلام (۱۴۸هـ) است و اگر طبقه هر راوی را چهل سال در نظر بگیریم، محمد بن جریر طبری (متوفای قرن پنجم هجری) حداقل با شش واسطه می‌تواند از اعمش روایت نقل کند؛ ولی در این دو روایت می‌بینیم که با دو واسطه نقل روایت شده است.

بقیه روایات را می‌توان بر اساس سند تاریخ‌گذاری نمود. این روایات هم شامل روایاتی هستند که در اصل حدیث، امام معصوم علیه السلام کلمه «معجزه» را به کار برده است و هم شامل روایاتی که مخاطبان با پرسش از امام علیه السلام درخواست آوردن «معجزه» کرده‌اند. این روایات شامل دو دسته هستند: روایاتی که «حلقه مشترک» در آن‌ها شیخ صدوق است و روایاتی که «حلقه مشترک» آن‌ها شیخ طوسی است.

۲-۱-۲. روایات با حلقه مشترک شیخ طوسی علیه السلام

این دسته شامل سه روایت هستند که دوتا از آن‌ها در «امالی» شیخ طوسی علیه السلام است و دیگری در کتاب «خرائج و جرائح» اثر قطب الدین راوندی موجود است.

۱. قال قطب الدین راوندی؛ قد أخبرنا جماعة ثقات منهم الشيخ أبو جعفر محمد بن علی بن المحسن الحلبي، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي، عن أحمد بن عبدون، عن علي بن محمد بن الزبير القرشي، عن أحمد بن الحسين بن عبد الملك الأزدي، عن الحسن بن محبوب، عن صفوان بن يحيى، عن أبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام أنه قال: أعظم الناس ذنباً وأكثرهم إثماً على لسان محمد صلى الله عليه وآله الطاعن على عالم آل محمد صلى الله عليه وآله والمكذب ناطقهم والمجاهد معجزاتهم. ٥٨

۲. محمد بن حسن [شیخ طوسی علیه السلام] قال: حدثنا الفخام، حدثني المنصورى، قال: حدثني عم أبي، قال: حدثني الإمام علي بن محمد، عن أبيه أبي، عن الصادق عليه السلام، قال: ثلاث أوقات لا يُجَبُّ فيها الدعاء عن الله [تعالى]: في أثر المكتوبة، وعند نزول المنظر، وظهور آية معجزة لله في أرضه. ٥٩

۳. محمد بن حسن [شیخ طوسی علیه السلام] قال: أخبرنا محمد بن محمد [شیخ مفید علیه السلام]، قال:

۵۷. همان ص ۱۶۹.

۵۸. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۷.

۵۹. الامالی (لطوسی)، ص ۲۸۰.

أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْوَلِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو الْكِنْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنُ إِسْحَاقَ الرَّزِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَزْدَادَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي أُوَيْسٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ قَيْسِ الْبَصْرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا زَادَانُ، عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ (رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: لَنَا قِصَصُ النَّبِيِّ ﷺ... بِأَلْيَاتِ الْبَاهِرَاتِ وَالْمُعْجَزَاتِ الْبَيِّنَاتِ.^{٦٠}

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، از ستارگان بسیار درخشان جهان اسلام است و در فقه و اصول، حدیث، تفسیر، کلام و رجال تألیفات فراوان دارد. در بین آثار متعدد ایشان فقط در کتاب الأمالی دو روایت دیده می شود که کلمه «معجزه» در آن ها وجود دارد. همین مطلب می تواند دلیلی بر عدم وجود این کلمه در عصر ائمه علیهم السلام باشد؛ زیرا با حجم گسترده ای که ایشان از روایات ائمه علیهم السلام نقل می کند، بعید است که کلمه «معجزه» با همه اهمیتی که امروزه دارد، فقط در یک کتاب از ایشان وجود داشته باشد. از طرفی می دانیم که «الأمالی» به کتابی گفته می شود که شیخ برای شاگردان خود املا کرده است و آن ها نوشته اند و لذا نوشته خود ایشان نیست و این احتمال متصور است که شاگردان این کلمه را در خلال روایت ادراج نموده باشند.

روایت دیگر را قطب راوندی از ایشان نقل می کند؛ در حالی که شبیه این حدیث، نه تنها در آثار شیخ طوسی رحمته الله علیه نیست، بلکه در هیچ کتاب حدیثی دیگری نیز حتی مضمونش ذکر نشده است و لذا هیچ گونه سندی در دست نداریم که خود شیخ در آثارش کلمه معجزه را به کار برده باشد. در نتیجه، با وجود شیخ طوسی به عنوان «حلقه مشترک» این روایات، نمی توان گفت که ایشان اولین کسی است که حدیث را در قالب کنونی در آورده است.

۲-۲-۲. روایات با حلقه مشترک شیخ صدوق رحمته الله علیه

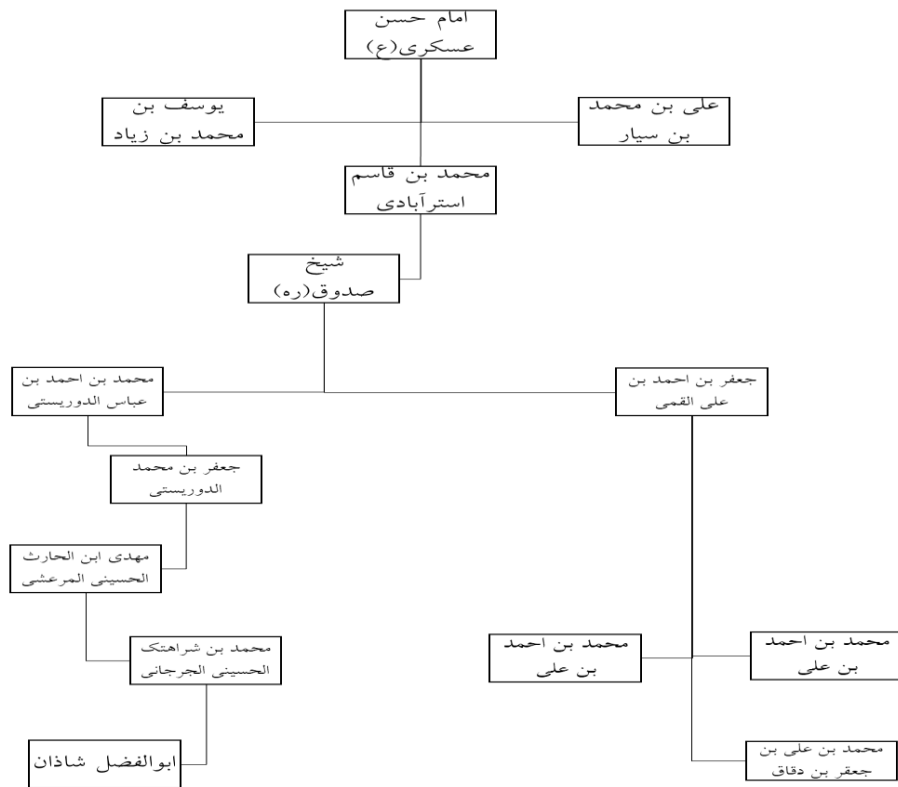
شیخ صدوق متوفی سال ۳۸۱ هجری قمری دارای آثار فراوان حدیثی است. در دوران زندگی ایشان کلمه «معجزه» رایج بوده است. نجاشی رحمته الله علیه کتابی را تحت عنوان دلائل الأئمه و المعجزاتهم برای شیخ صدوق رحمته الله علیه معرفی می کند^{۶۱}، البته این کتاب اکنون در دست نیست ولی خود صدوق رحمته الله علیه در کتاب «التوحید» می نویسد: «این حدیث طویلی است و من تمام آن را

۶۰. همان، ص ۲۱۸.

۶۱. رجال النجاشی، ص ۳۹۱.

در کتاب «الدلائل و المعجزات» آورده ام^{۶۲}. تعداد زیادی از روایاتی را که ایشان در سند آن‌ها است در قسمت تاریخ‌گذاری بر مبنای متن از دایره تحلیل خارج شدند اما مابقی این روایات عبارتند از:

۱. روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام؛ روایاتی که حاوی کلمه «معجزه» هستند، شامل ۲۵ روایت هستند. سند روایات این تفسیر به شکل زیر است.



همان‌طور که مشاهده می‌شود، این تفسیر با دو سلسله سند از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است^{۶۳} که «حلقه مشترک» این سندها شیخ صدوق علیه السلام است.

۲. محمد بن علی بن بابویه قال: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُتَمِسِّي رضی الله عنه قَالَ: حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ عَنْ أَبِيهِمَا، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ

۶۲. «والحدیث طویل أخذنا منه موضع الحاجة وقد أخرجته بتمامه فی کتاب الدلائل والمعجزات» (التوحید، ص ۳۶۸).

۶۳. علامه مجلسی رحمته الله این تفسیر را با دو سلسله سند مذکور در اختیار داشته است (بحار الانوار، ج ۱، ص ۷۱-۷۰).

عَلِيَّ الْعَسْكَرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ... فَجَعَلُوهُ آيَةً... ٦٤

شیخ صدوق علیه السلام این حدیث را با همان سند قبلی از امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده است؛ در حالی که عبارت «عن ابویهما» را زیاده دارد. شیخ صدوق علیه السلام بیش از چهل روایت از استرآبادی، از امام حسن عسکری علیه السلام در کتاب های خود نقل کرده است که بخشی از آن ها با همان سند تفسیر است و بخش دیگری نیز با افزودن لفظ «عن ابویهما». آقابزرگ تهرانی با تأکید بر زیادت این عبارت، آن را از اضافات استرآبادی دانسته است. ٦٥ آقابزرگ بر این نظر است که شیخ صدوق علیه السلام مراد استرآبادی از این عبارت را به درستی درک کرده و آن گونه که شنیده، روایت کرده است. ٦٦ از طرفی، نظر آقابزرگ با نقد علامه شوشتری مواجه گردیده که این نظر را تکلف آمیز دانسته است. ٦٧ اگر هر کدام از نظرات علامه شوشتری یا آقابزرگ تهرانی را بپذیریم، خللی در مبحث تاریخ گذاری این روایت وارد نمی کند؛ زیرا در هر صورت، شیخ صدوق دوباره حلقه مشترک این روایت می شود.

٣. محمد بن علی بن بابویه قال: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ، عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام... أَنَا ابْنُ صَاحِبِ الْمُعْجَزَاتِ وَالِدَلَّائِلِ... ٦٨

٤. محمد بن علی بن بابویه قال: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَنْ عَمِّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام... الْمُعْجِزَةُ عَلَامَةٌ لِلَّهِ... ٦٩

٥. محمد بن علی بن بابویه قال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ مِهْلُولٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام قَالَ: عَشْرُ خِصَالٍ مِنْ صِفَاتِ الْإِمَامِ... يَكُونُ لَهُ الْمُعْجِزُ وَالِدَلِيلُ... ٧٠

٦٤. عيون أخبار الرضا علیه السلام، ج ٢، ص ١٦٨.

٦٥. الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٤، ص ٢٩٣.

٦٦. سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ١٣٤.

٦٧. الاخبار الدخيلة، ج ١، ص ٢١٤-٢١٣.

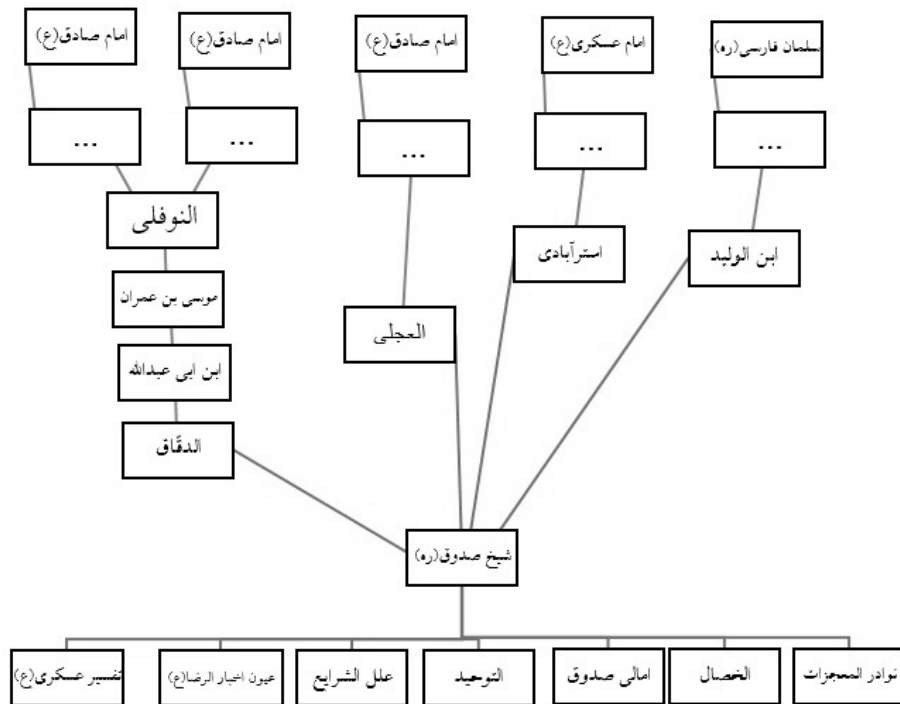
٦٨. الامالی (للسدوق)، ص ١٧٨.

٦٩. علل الشرائع، ج ١، ص ١٢٢.

٧٠. الخصال، ج ٢، ص ٤٢٨.

۶. محمد بن جریر طبری صغیر قال: حدّثنا الشیخ أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، قال: حدّثنا محمد بن الحسن [ابن الولید]، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن زکریا، عن أبي المعافا، عن وکیع، عن زاذان، عن سلمان قال: ... أحبّ أن ترینی ناقة ثمود، و شیئاً من معجزاتک ...^{۷۱}

این روایت را طبری، در دلائل الإمامه آورده است. همان طور که مشاهده می‌شود، در بین سند، محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق) [مؤلف بصائر الدرجات] هم وجود دارد. در بخش تاریخ‌گذاری بر مبنای متن ثابت نمودیم که ایشان از کلمه «معجزه» در کتاب خود استفاده نکرده است و بسیاری از روایاتی که پس از ایشان «دلائل، معجزات و...» می‌نامیدند، ایشان با نام‌های دیگری به کار می‌بردند. از طرفی، شیخ صدوق رحمه الله را در این روایت می‌بینیم که هم در روایات خود و هم در خلال کتب خود از کلمه «معجزه» بارها استفاده نموده است. نمودار درختی این روایات به صورت ذیل است:



۷۱. نوادر المعجزات فی مناقب الائمه الهدی علیهم السلام، ص ۸۳.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، شیخ صدوق رحمته‌الله «حلقه مشترک» این روایات است. با بررسی آثار شیخ صدوق رحمته‌الله می‌توان نتیجه گرفت که در بین شیعیانی که آثار آن‌ها موجود است، او اولین نفری است که کلمه «معجزه» را در جای جای آثار خود به کار برده است. در نتیجه، ایشان اولین کسی است که متن روایات را در قالب چنین الفاظی درآورده است.

۲-۳. تاریخ‌گذاری توأمان متن و اسناد

«با توجه به کاستی‌هایی که در روش‌های تاریخ‌گذاری مبتنی بر متن یا اسناد دیده می‌شود، برخی محققان، به ویژه در دو دهه اخیر، به روش ترکیبی روی آورده‌اند که در آن به طور هم‌زمان از داده‌های سندی و متنی برای تاریخ‌گذاری احادیث، بهره گرفته می‌شود. در واقع، این روش، توسعه روش تحلیل اسناد است که «شاخت» ابداع کرده و «ینبل» به خوبی آن را بسط داده است».^{۷۲}

در قسمت تاریخ‌گذاری بر مبنای متن، ثابت نمودیم که روایات حاوی کلمه «معجزه» بسته به تنوع تحریرهای گوناگون، معایب زیادی دارند. از طرفی، در تاریخ‌گذاری بر مبنای اسناد، شاهد «حلقه مشترکی» بودیم که کلمه «معجزه» را در آثار گوناگونش چه در قالب روایات و چه در خلال متن کتاب‌هایش به کار برده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که «حلقه مشترک» واضح کلمه «معجزه» در خلال روایات است.

در این قسمت به دنبال تحلیل ترکیبی این روایات هستیم و لذا آن‌ها را در چهار قسمت مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

۳-۲-۱. گوینده احادیث [معصومین علیهم‌السلام]

همان‌طور که در قسمت‌های قبل ثابت نمودیم، در این قسمت از تاریخ‌گذاری روایات، باید فرض کنیم که کلمه «معجزه» از ابتدا وجود نداشته و سپس توسط معصومان علیهم‌السلام به وجود آمده است. پس سؤال اصلی این می‌شود که کدام امام علیهم‌السلام و در چه زمانی این اصطلاح را وضع نموده است؟ پراکندگی این روایات به صورت ذیل است:

- شش روایت^{۷۳} مربوط به دوران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.
- سه روایت^{۷۴} مربوط به دوران امام علی علیه‌السلام است.

۷۲. «تاریخ‌گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد - متن؛ امکانات و محدودیت‌ها»، ص ۱۲۱.

۷۳. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام، ص ۴۹، ۵۳۱، ۳۸۳، ۹۲، ۴۳۴ و ۴۶۱.

۷۴. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۷۲؛ تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام، ص ۶۶؛ الامالی (للطوسی)، ص ۲۲۰.

- پنج روایت^{۷۵} مربوط به دوران امام حسن مجتبیٰ علیه السلام است.
- دو روایت^{۷۶} مربوط به دوران امام سجاد علیه السلام است.
- چهار روایت^{۷۷} مربوط به دوران امام صادق علیه السلام است.
- دو روایت^{۷۸} مربوط به دوران امام موسی کاظم علیه السلام است.
- سه روایت^{۷۹} مربوط به دوران امام رضا علیه السلام است.
- یک روایت^{۸۰} مربوط به دوران امام هادی علیه السلام است.
- دوازده روایت^{۸۱} مربوط به دوران امام حسن عسکری علیه السلام است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، این پراکندگی خلاف فرض اولیه را می‌رساند و خلاف فرض نیز محال است؛ زیرا فرض مسأله در قسمت‌های قبلی ثابت شده است؛ یعنی نمی‌توانیم تصوّر کنیم که کلمه «معجزه» از همان ابتدا رایج بوده است.

۲-۲-۳. شخصیت مخاطب

اگر فرض کنیم که کلمه «معجزه» از ابتدا وجود نداشته است و بعداً توسط ائمه علیهم السلام به وجود آمده است. زمانی که امام علیه السلام برای اولین بار از این لفظ (که برای مخاطبان ناآشناست) استفاده می‌کند، مخاطبین باید با نوعی تعجب روبه‌رو شوند و یا از امام علیه السلام در مورد آن پرسش‌هایی نمایند و... ولی در تمامی این روایات شاهد این قضیه نیستیم و همه آن‌ها حاکی از آن است که این کلمه توسط افرادی که با مفهوم «معجزه» آشنا هستند، وارد روایات شده است.

۳-۲-۳. تغییرات در همنشین‌ها

اگر ائمه علیهم السلام برای اولین بار ایده‌پرداز کلمه «معجزه» باشند، باید در کاربرد این کلمه در جمله، به تبیین آن بپردازند و همنشینی با سایر عبارات این مطلب به وضوح قابل اثبات باشد؛ ولی نه تنها تا کنون هیچ عالمی به این مطلب اشاره نکرده، بلکه با مطالعه این روایات به نتیجه مذکور نمی‌رسیم.

۷۵. آل‌امالی (للسدوق)، ص ۱۷۸؛ دلائل الإمامه، ص ۱۶۹، ۱۷۰ و ۴۲۶؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲ ص ۸۱۱.

۷۶. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، ص ۵۹۸ و ۵۶۱.

۷۷. همان، ص ۴۷۲؛ النخصال، ج ۲، ص ۴۲۸؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۲۲؛ آل‌امالی (للتوسی)، ص ۲۸۰.

۷۸. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ۱۷ و ج ۳، ص ۳۲۰.

۷۹. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، ص ۵۲؛ دلائل الإمامه، ص ۳۶۲ و ۴۸۹.

۸۰. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، ص ۱۶۷.

۸۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۲-۱۶۸؛ تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، ص ۱۳۳، ۱۵۳، ۲۶۷، ۲۸۳، ۲۹۰،

۲۹۱، ۳۱۸، ۳۷۴، ۳۹۰، ۴۰۲ و ۵۱۵.

۳-۲-۴. مفهوم معجزه

در این قسمت از مسأله نیز باید فرض کنیم که اصطلاح «معجزه» یک اصطلاح بسیار شایسته و مناسب برای معرفی اعمال خارق‌العاده پیامبران است که قبل از وضع و رایج شدن آن توسط مسلمانان، ائمه اطهار علیهم‌السلام ایده‌پرداز آن بوده‌اند؛ ولی اگر ثابت کنیم که این خلق اصطلاح مناسب نیست و دارای ایرادات عدیده‌ای است، با فرض این‌که ائمه علیهم‌السلام عالم محض هستند ناسازگار بوده و در نتیجه مسأله منتفی است و حاصل آن چنین می‌شود که این نظریه پردازی از ائمه علیهم‌السلام نبوده و وضع کلمه «معجزه» و استفاده از آن را به واضعان اولیه آن وا می‌گذاریم.

تحلیل: مشتقات کلمه «عجز» نوزده بار در قرآن کریم به کار رفته‌اند. در همه این کاربردها، این کلمه در معنای لغوی خود به کار رفته است و لذا نمی‌توان گفت که اگر کلمه «معجزه» در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رایج بود، خداوند آن را در قرآن برای معرفی اعمال خارق‌العاده پیامبران استفاده می‌کرد؛ زیرا خداوند در قرآن کریم بسیاری از اصطلاحات را که مناسب بوده‌اند، وضع نموده است.

خداوند متعال در قرآن کریم برای معرفی این اعمال خارق‌العاده پیامبران از چهار اصطلاح «آیه»، «بینه»، «برهان» و «سلطان» استفاده نموده است که با علم معناشناسی^{۸۲} می‌توان ثابت نمود این الفاظ با یکدیگر متفاوت بوده و هر کدام از آن‌ها در شرایط خاصی و برای فعل خاصی نام‌گذاری شده‌اند و لذا نمی‌توان همگی آن‌ها را یک کلمه نامید و نمی‌توان فرض کرد ائمه علیهم‌السلام - که آگاه به تمامی معارف و مضامین قرآن هستند - این حقیقت را نادیده گرفته‌اند. «معجزه» از اریشه «عجز» و دارای معانی منفی است؛ در حالی که اعمالی که پیامبران در برخی از موارد انجام می‌دادند، برای پی بردن به ذات اقدس الله هستند که همگی مثبت و تعالی بخش هستند. ائمه علیهم‌السلام در احادیث گوناگونی، چه قرآن و چه سایر این اعمال را با همین الفاظ معرفی کرده‌اند و وجود تعداد محدودی از روایات که کلمه «معجزه» در آن‌ها به کار رفته است، در مقابل تعداد بی‌شماری از این آیات بر این دلالت دارد که این کلمه توسط برخی از مؤلفین وارد احادیث شده است.

در این قسمت نیز به نتیجه‌ای مغایر با فرض اولیه روبه‌رو شدیم که این نیز محال است. و نتیجه نهایی از این تحلیل‌های گوناگون، عدم استفاده از اصطلاح «معجزه» توسط ائمه

۸۲. برای کسب اطلاعات بیشتر رک: «بررسی حوزه معنایی معجزه در قرآن».

اطهار علیه السلام است و روایاتی که در آن‌ها این کلمه به کار رفته است، همگی جعلی و یا حاصل ادراج این کلمه توسط مؤلفان کتاب‌های حدیثی است.

نتیجه‌گیری

کلمه «معجزه» در قرآن کریم به کار نرفته است. از طرفی، در کتاب‌های لغت قرن‌های اول تا سوم نیز موجود نیست و لذا یک اصطلاح است که در کتاب‌های متکلمین قرن چهارم تعریف شده است. وجود تعدادی زیادی از روایات معصومان علیهم السلام - که در قرن‌های اول تا سوم می‌زیستند - خلاف این ادعا را ثابت می‌کند و چنین حاصل می‌شود که ایشان علیهم السلام ایده‌پرداز اصطلاح «معجزه» هستند؛ اما با تاریخ‌گذاری بر مبنای متن این روایات، شاهد تفاوت‌هایی در تحریرهای گوناگون آن‌ها هستیم که نشان می‌دهد این کلمه در اصل روایات ائمه علیهم السلام نمی‌تواند باشد. از طرفی با تاریخ‌گذاری بر مبنای اسناد این روایات می‌فهمیم نخستین کسی که این کلمه را وارد روایات نموده است، مرحوم شیخ صدوق رحمته الله است که به عنوان «حلقه مشترک» همه روایات، کلمه «معجزه» را در اکثر کتاب‌های حدیثی خود وارد کرده است. در نهایت، با تاریخ‌گذاری ترکیبی متن و اسناد به این نتیجه می‌رسیم که نمی‌توان هیچ‌یک از ائمه علیهم السلام را به عنوان ایده‌پرداز اصطلاح «معجزه» معرفی نمود. از طرفی کلمه «معجزه»، تعریف مناسبی برای اعمال خارق‌العاده پیامبران و امامان نیست که آن را به ائمه علیهم السلام نسبت دهیم و لذا می‌بینیم که ائمه علیهم السلام در احادیث صحیح گوناگونی به تأسی از قرآن این اعمال را با واژه‌های «آیات، بینات و براهین» معرفی کرده‌اند.

کتابنامه

- إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، شیخ حر عاملی، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق.
- الإحتجاج علی أهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، محقق: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- أحكام القرآن، جصاص، تحقیق: محمد الصادق قمحاوی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- الاخبار الدخيلة، محمد تقی شوشتری، به کوشش: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات مکتبه الصدوق، ۱۴۰۱ق.
- إعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت علیهم السلام و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، سید رضا مؤدب، قم: احسن الحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.

- الأمالی، شیخ طوسی، مصحح: مؤسسه بعثت، قم: دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- الأمالی، شیخ صدوق، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
- ایمان ابی طالب، فخار بن معد، محقق: محمد بحر العلوم، قم: دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- تاریخ گذاری حدیث روش ها و نمونه ها، گلدتسیهر، شاخت، فان اس، موتسکی و... به کوشش و ویرایش: سید علی آقایی، تهران: حکمت، ۱۳۹۳ش.
- تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
- تأویل مشکل القرآن، ابن قتیبہ دینوری، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواهب بن محمد تمیمی آمدی، محقق: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
- تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، حسن بن علی علیه السلام، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- تفسیر سمرقندی مسمی به بحر العلوم، تحقیق: د. محمود مطرجی، أبولیت سمرقندی، بیروت: دار الفکر، بی تا.
- التوحید، شیخ صدوق، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.
- التوحید، أبو منصور ماتریدی، تحقیق: د. فتح الله خلیف، مصر: دار الجامعات المصریة - الإسکندریة، بی تا.
- تهذیب اللغة، محمد بن احمد ازهری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- جامع البیان عن تأویل آی القرآن، محمد بن جریر طبری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۵ق.
- جمهرة الأمثال، أبو هلال عسکری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
- جمهرة اللغة، ابن درید، تحقیق و مقدمه: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۶۶ش.
- الجیم، اسحاق بن مرار شیبانی، قاهره: الهیئة العامه لشئون المطابع الامیریة، چاپ اول، ۱۹۷۵م.
- الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- الخصال، شیخ صدوق، محقق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.

- درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، مجید معارف و سعید شفیعی، تهران: سمت، ۱۳۹۴ش.
- دلایل الإمامة، قم: بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ تهرانی، تهران: چاپخانه مجلس، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ش.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- الروضة فی فضائل أمير المؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام، ابن شاذان قمی، محقق: علی شکرچی، قم: مکتبه الامین، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- سیر تاریخی إعجاز قرآن، سید حسین سیدی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲ش.
- علل الشرائع، شیخ صدوق، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- علوم قرآن الکریم، نورالدین عتر، دمشق: مطبعة الصباح، چاپ ششم، ۱۴۱۶ق.
- العین، خلیل بن احمد فراهیدی، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم: دارالهجره، چاپ دوم، ۱۳۶۷ق.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، محقق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
- الغریب المصنف، ابو عبید قاسم بن سلام، ترجمه و تحقیق: بیت الحکمه، تونس: المؤسسة الوطنیه، چاپ اول، ۱۹۹۰م.
- الفضائل، ابن شاذان قمی، قم: رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.
- الفهرست، ابن الندیم، بیروت: دار المعرفه، ۱۳۹۸ق.
- قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- محاضرات فی علوم قرآن، غانم غدوری حَمَد، عمان: دار عمان للنشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- المحکم و المحيط الأعظم، ابن سیده، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- المحيط فی اللغة، اسماعیل بن عباد، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، قم: علامه، ۱۳۷۹ش.

- النکت الاعتقادیه، شیخ مفید، قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، بی تا.
- نوادر المعجزات فی مناقب الائمه الهدی علیهم السلام، محمد بن جریر طبری آملی صغیر، محقق: باسم محمد اسدی، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ق.
- هدایة الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت: البلاغ، ۱۴۱۹ق.
- «بازاندیشی در حقیقت إعجاز» فرزاد دهقانی، سروش شهریاری نسب و علی رضا جعفرزاده کوچکی، فصل نامه پژوهش های فلسفی - کلامی، دانشگاه قم، سال هفدهم، شماره سوم، شماره پیاپی ۶۷.
- «تاریخ گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد - متن؛ امکانات و محدودیت ها»، سیدعلی آقایی، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۵۰.
- «تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ معجزه در قرآن و روایات»، نجمه نجم و سید محمدعلی ایازی، دوفصل نامه قرآن در آینه پژوهش، سال اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره دوم.
- «جلوه های بلاغت در کلام پیام آور عاشورا حضرت زینب علیها السلام»، زهرا سلیمانی، سفینه، سال ششم، بهار ۱۳۸۸، شماره ۲۲.
- «حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایه الکبری»، نعمت الله صفری فروشانی، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۱۶.
- «سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام»، سیدمهدی لطفی، مطالعات قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۱.
- «ناهم خوانی معنادار بین روایات منقول از امام هادی علیه السلام در تصحیح های مختلف کتاب هدایة الکبری؛ تحلیل و تبیین علل و پیامدها»، حمید حاج امینی نجف آبادی، شیعه پژوهی، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱۱.
- «بررسی حوزه معنایی معجزه در قرآن»، محمد دهقانی، فاطمه دسترنج و علیرضا طبیعی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، دانشکده علوم انسانی، زمستان ۱۳۹۷.
- «بررسی رابطه امور خارق العاده با حقایق از دیدگاه عقل و نقل»، مجید کزازی، محمدرضا امامی نیا و عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۲.

- «تبیین فلسفی معجزه از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی»، مریم تشکری جهرمی و رضا اکبریان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، اسفند ۱۳۸۹.

- «متون و روایات دلایل و معجزات ائمه (امام صادق علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) در منابع شیعی قرن دوم تا پایان قرن ششم»، کامران محمدحسینی، اصغر قائدان و محمدصادق جمشیدی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی، بهمن ۱۳۹۰.

- Cook. "Eschatology and the Dating of Traditions 25".